



آیت الله حسین نوری

اقتصاد اسلام



فصل اول

طرحی از کلیات مسئله سرمایه داری

در اسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اینکه چه نوع طرز تفکر، آنها را باین راه کشانده و آزادی باین وسعت را با چه منطقی توجیه می کنند را توضیح داده پاسخ خواهیم گفت. اکنون لازم است برخی از زوایا و مزایای "سرمایه داری" را مورد بحث و تحلیل قرار بدهیم:

سیر تحول نظام سرمایه داری

بسیاری از اقتصاددانان و پژوهشگران جامعه شناسی در بررسی سیر تحولات و تطورات تاریخی سیستم های اقتصادی، قرن شانزدهم میلادی را آغاز "عصر سرمایه داری" می دانند.

در این نظام کلمه "منابع ثروت نوعاً بطور آزاد در اختیار افراد قرار گرفته است که آنها بتوانند با انواع بهره برداری از آنها به تحصیل ثروت و مال بپردازند، بعلاوه انجام خدمات و هر گونه کاری که موجب بدست آوردن مال و پول است در این سیستم آزاد است.

۲- آزادی افراد در افزایش دادن به ثروت و مال موجود خود از هر راهی که ممکن باشد.

۳- آزادی در مصرف کردن مال و ثروت در هر راهی که صاحبان اموال بخواهند و بهر کیفیتی که مطلوب آنها باشد.

ما بتوفیق خداوند در فرصت دیگر علت

واژه "سرمایه داری" در مباحث اقتصادی و اجتماعی معمولاً بیانگر آن گونه از سیستم اقتصادی است که در آن از جنبه اقتصادی سرمایه های خصوصی، نقشی اساسی در فعالیت های اقتصادی را دارند.

و از جنبه اجتماعی، آزادی و فعالیت اقتصادی افراد بطور وسیع در آن ملحوظ و موجود است.

جلوه ها و جنبه های این نوع آزادی اقتصادی و آثار ناشی از آن، در این سه قسمت خلاصه میشود:

۱- آزادی افراد در زمینه "کسب و تحصیل مال و ثروت و همچنین در زمینه تولید از هر راهی که ممکن و میسر باشد.

ولی این تصور درست نیست. هر چند که نظام سرمایه‌داری در این قرن به مرحله مهمی از دوران رشد خود گام نهاد اما نباید فراموش کرد که حتی در اجتماعات باستانی هم "سرمایه‌داری" و جلوه‌هایی از انواع نظام‌های آن وجود داشته است که ما - بعداً - نمونه‌هایی از آنرا ذکر خواهیم کرد.

البته باین نکته توجه داریم که مهم‌ترین عواملی که موجب شد تا "رژیم سرمایه‌داری" در قرن شانزدهم میلادی در عصر تاریخی خاصی وارد شود و رونق مخصوصی پیدا کند بدین شرح است:

۱ - جنگ‌های صلیبی:

این سلسله جنگ‌های خونبار که در تاریخ جهان اثراتی دگرگون کننده و بردامنه داشت و در طول مدت چند قرن ادامه یافت یکی از آثار آن این بود که به جدائی خاور از باختر خاتمه داد و ارتباط وسیعی بین مشرق و مغرب جهان ایجاد کرد و مخصوصاً موجب گسترده‌گی روابط اقتصادی و مبادلات بازرگانی اروپا و آسیا گردید.

۲ - توسعه صنایع:

همگام با بوجود آمدن ارتباط وسیعی بین مشرق و مغرب و بهبود وسائل ارتباطی، علم و دانش نیز با سرعت رو به گسترش رفت و در نتیجه رشته‌های گوناگون صنعتی نیز در قلمروهای مختلف بوجود آمد و با عبور از مرزها در عرصه وسیعی از جهان گسترش یافت و این امر نتجتاً در رشد سرمایه‌داری و پیشرفت آن تأثیر وسیعی داشت.

۳ - اکتشافات بزرگ جغرافیائی:

در قرون پانزده و شانزدهم میلادی، سطح مسکون دنیا نیز رو به گسترش گذاشت. در این عصر مناطق مختلفی از سطح زمین که تا آن زمان نامشکوف و دور از دسترسی سایر جهان‌نیان مانده بود کشف گردید و در نتیجه

سپل مهاجرت و مسافرت به این سرزمین‌های نویافته آغاز شد و در پی گسترش دامنه ارتباطات، آفقیهای اقتصادی و بازرگانی جهان نیز بطور بی سابقه وسعت و دامنه یافت.

مشخصات سیستم سرمایه‌داری

نظام "سرمایه‌داری" مشخصات و خصوصیتی دارد که قبل از هر چیز شناخت آنها لازم بنظر میرسد ما آنها را با مقایسه با مشخصات نظام اقتصادی اسلام ذکر میکنیم آنها بطور کلی عبارت از این سه موضوع است:

۱ - مبانی حقوقی:

در نظام سرمایه‌داری، اساس مبانی حقوقی بر اصل "احترام مالکیت خصوصی" - آنهم بیک مفهوم بسیار وسیع - استوار است به موجب این اصل، مالکان عوامل و وسائل تولید یعنی دارندگان پول و سرمایه و صاحبان زمین و سایر منابع ثروت و همچنین دارندگان نیروی کار و فعالیت، مالک مطلق و بی چون و چرای ثروت و امکانات تولیدی خود هستند.

بر اساس اصل احترام مالکیت سرمایه - داران و بطور کلی مالکان اموال میتوانند پول و سرمایه خود را به هر کس که مایل باشند مثلاً وام بدهند و هر مقدار بهره که بخواهند و قادر به گرفتن آن باشند از وام گیرنده دریافت کنند. با اینکه میتوانند بعنوان کارفرما وارد فعالیت‌های تولیدی شوند و هرگونه مواد را بهر اندازه که بخواهند تولید کنند. و با امکان آزادی آنرا دارند که سرمایه خود را در صنایع بکار اندازند و هر گونه صنعتی که موجب جلب مال و ثروت باشد بوجود بیاورند.

مالکان زمین نیز در مورد املاک و اراضی خود صاحب قدرت و اختیارات تام و تمام هستند چنانکه میتوانند زمین خود را بهر قیمتی که بخواهند و بتوانند بفروش رسانند یا آنرا بعنوان اجاره یا هر نوع دیگر از انواع معاملات به دیگران واگذار کنند و از

حقوق و عوائد ناشی از آن بهره‌مند شوند. کارگران و کارمندان نیز میتوانند به میل شخصی خود، نیروی کار و فعالیت خویش را در مقابل دریافت مزد و حقوق معین به خواستاران خدمات و نیروی فعال عرضه کنند کارفرمایان بطور کلی در نظام سرمایه‌داری نقش موثر و اساسی دارند با بکار - گیری امکانات مالی و قدرتهائی که از روابط خاصی بدست می‌آورند در زمینهای گوناگون زمینها و امکانات دریافت سود را برای خود فراهم می‌آورند.

وبالاخره در این نظام مالکیت خصوصی بطور وسیع، سود، بهره، مزد و حقوقی که با آنها مرتبط می‌گردد بطور گسترده و بردامنه ای نافذ و محترم است و این موضوع یکی از شاخص‌های عمده سرمایه‌داری است.

اما مالکیت اسلامی

در اینجا برای روشن شدن بحث از دیدگاه اسلام، نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که در دین اسلام نظام اقتصادی از نظام ایدئولوژی و اخلاقی و سیاسی جدا نیست و لذا مبانی ایدئولوژی و سیاسی و اخلاقی اسلامی تأثیر فراوانی در امور اقتصادی می‌گذارد و موجب برداشتهای مخصوص و آثار خاصی در زمینهای مختلف اقتصادی می‌گردد. روی همین جهت تفاوت میان مالکیتی که دنیای سرمایه‌داری به آن معتقد است و آنرا مبنای حقوق مخصوص خود قرار داده است با مالکیتی که اسلام آنرا معتبر میدانند و افراد مسلمان باید بر اساس مفاهیم اسلامی آنرا مورد توجه قرار بدهند تفاوت از زمین تا آسمان است...

اسلام اولاً هرگز مالکیت خصوصی را بآن وسعتی که دنیای سرمایه‌داری بآن معتقد است قبول ندارد (ما بعداً بتوفیق خداوند متعال به شرح این موضوع خواهیم پرداخت) و ثانیاً: مالکیت خصوصی را هرگز تنها اصل در زمینه مالکیت نمیداند بلکه همان طور که در مواردی به مالکیت خصوصی معتقد

است در موارد دیگر که بسیار وسیعتر است به مالکیت حکومتی اعتقاد دارد و کلیه منابع ثروت از قبیل دریاها، دریاچه ها، زمینهای موات و زمینهای که مالک معین ندارد، جنگلها، معادن، رودخانه ها، نیزارها و قله کوهها را زیر پوشش مالکیت حکومتی قرار میدهد، چنانکه در مورد خصوصی بعضی از منابع را زیر عنوان مالکیت عمومی و ملی مندرج میسازد.

و ثالثاً: مالکیت خصوصی را با مفهوم برداشت خاصی مطرح میسازد و آن مفهوم این است که ذاتاً مالک همه چیز خدا است که آفریننده و هستی بخش همه موجودات است و هر کس هر چه را که دارد خداوند به او بر اساس موازین خصوصی بعنوان عاریت و در سایه شرایط خصوصی داده است. و این اعطاء خداوندی وسیلهای برای امتحان افراد است تا در کیفیت تحصیل

است و مقرراتی را در انواع تصرف کردن در مال، و به مصرف رساندن آن معین کرده است آیا مراعات خواهد کرد یا نه؟

آیا این فرد مال و ثروت را وسیلهای برای ترمیم کمبودهای جامعه و رفع نارسائیهها قرار خواهد داد یا وسیله تفاخر و تکبر؟ آیا در فکر رفع مشکلات محرومین و مستضعفین خواهد افتاد و یا این مال و ثروت را وسیله ظلم و استعمار قرار خواهد داد؟

آیا این ثروت و کالا را در جای لازم و مناسب خود مصرف خواهد کرد و به توزیع آن بطور عادلانه خواهد پرداخت و یا آنرا کنز و احتکار خواهد کرد؟

آیا آنرا در راه بالا بردن سطح افکار عمومی و تعلیم و تربیت مصرف خواهد نمود یا در راه معصیت و فحشاء بکار خواهد برد؟ روی همین اصل است که قرآن کریم در

آزمایش افراد معرفی و برای کسانی که از این امتحان سر بلند بیرون بیایند فضیلت و مزد عظیم مقرر گردیده و در ۷ مورد سخن از "انفاق" بمیان آمده و روی این نکات تاکید شده است:

۱- **وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ.**

هر چه را که در راه خدا انفاق کنید مطمئن باشید که خداوند جای آنرا برمیگردد.

۲- **وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلْنَا لَكُمْ مَسْخَلِينَ فِيهِ.**
از آنچه که خداوند شما را در آن خلیفه و جانشین خود قرار داده است انفاق کنید (با اینکه شما را جانشین گذشتگاه قرار داده است که بهر تقدیر تعبیر جالبی است).

روشن است که این گونه تعبیرات در تحریک افراد به انفاق و خرج کردن مال در راه نامین مصالح جامعه تاثیر بسیار مهمی دارد.

۳- در انفاق خود مبیانه روی را در نظر

اسلام مالکیت خصوصی را هرگز، تنها اصل در زمینه مالکیت نمی داند همانطور که در مواردی به مالکیت خصوصی معتقد است در موارد دیگر که بسیار وسیع تر است به مالکیت حکومتی اعتقاد دارد

مال و ثروت و افزایش دادن به آن و همچنین در طرز مصرف کردن آن، ایمان و اعتقاد افراد و همچنین روحیات و اخلاق آنان که دارای مراتب بسیار متفاوتی میباشد روشن گردد و معلوم شود که تلقی و برداشت این شخص از مالکیت چگونه است؟ و آیا راهی را که خداوند معین کرده است در نظر خواهد گرفت یا نه؟ و نیز این مال را که خداوند بعنوان عاریت و امانت به او سپرده

موارد متعددی مال را وسیله امتحان افراد معرفی می کند و در آیه ۲۸ از سوره انفال می گوید:

"وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا آمَاؤُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ"

و در آیه ۱۵ از سوره تغابن می گوید:

"إِنَّمَا آمَاؤُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ"

"وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ"

در این دو آیه اموال وسیله امتحان و

بگیرید. اسراف نکنید و ضمناً بخودتان هم سخت نگیرید.

۴- کسانی که پیش از فتح و پیروزی اسلام بر کفر یعنی در حال جهاد و در راه جهاد و اعلا کلمه حق انفاق می کنند با کسانی که پس از تحقق پیروزی و پایان جهاد انفاق می کنند هرگز مساوی نیستند و آنانکه در حال جهاد برای تقویت جبهه دنیا له در صفحه ۲۷

مورد رسیده است که فرار از زحف ، یکی از معاصی کبیره است . از جمله روایتی است در کافی از امیرالمؤمنین (ع) که فرمود :

"إِنَّ الرُّعْبَ وَالْخَوْفَ مِنْ جِهَادِ الْمُسْتَحِقِّ لِلْجِهَادِ وَالْمُتَوَازِينَ عَلَى السَّلَالِ ضَلَالٌ فِي الدِّينِ وَسَلْبٌ لِلدُّنْيَا مَعَ الدَّلِّ وَالصَّفَارِ وَفِيهِ اسْتِجَابُ النَّارِ بِالْفِرَارِ مِنَ الرَّحْلِ عِنْدَ حَضْرَةِ الْقِتَالِ . يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمْ الْأَذْبَارَ ."

همانا هراس و خوف از جهاد و مبارزه با کسانی که می بایست با آنان مبارزه کرد و آنان که بر کمراهی سازمان تشکیل داده اند ، خود یک نوع کمراهی در دین و از دست دادن

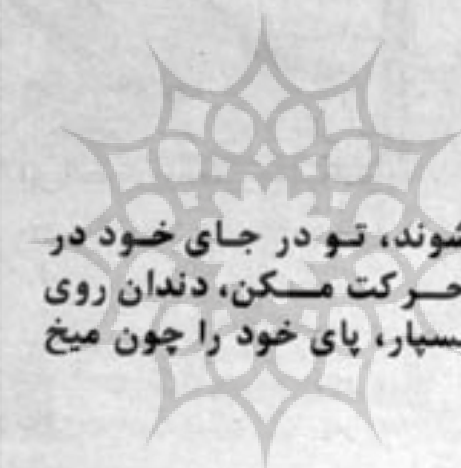
امیرالمؤمنین علی (ع):

کوهها اگر از جای کنده شوند، تو در جای خود در هنگامه نبرد پایدار باش و حرکت مکن، دندان روی دندان بگذار، سرت را به خدا بسپار، پای خود را چون میخ در زمین بکوب.

فرار کردن خشم و غضب خدا است و ذلت عار ابدی و فرار کننده چیزی بر عمرش افزوده نمیشود و این فرار مانع و حاجزی بین او و روز او یعنی روز مرگ و اجل او نمی گردد .

و در خطبه ۱۱ نهج البلاغه در کلامی که حضرت محمد بن حنفیه را در روز جنگ جمل مخاطب قرار میدهد آنگاه که برجم را به او واگزار مینماید ، چنین می فرماید :

"تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُولُ . عَنَّ عَلِيٍّ" "نَا جِدَّكَ . أَعْرَأَ اللَّهُ جُمُوعَكَ بِنَدْفِي" "الْأَرْضُ قَدَمُكَ . إِرْمِ بِبَصْرِكَ أَقْصَى" "الْقَوْمَ وَ عَنَّ بَصْرِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ" "التَّصَرُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ"



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کوهها اگر از جای کنده شوند، تو در جای خود در هنگامه نبرد پایدار باش و حرکت مکن . دندان روی دندان بگذار . سرت را به خدا بسپار . پای خود را چون میخ در زمین بکوب . چشم بینداز تا انتهای لشکر را ببینی و بدان که نصرت و یاری از نزد خدای سبحان است .

در این جملات حضرت علی (ع) عالی ترین تعابیر را در بیان استقامت و پایداری بیان فرموده است و مخصوصا جمله : "سرت را به خدا بسپار" که بهترین رهنمودی است برای استقامت و پایداری . ادامه دارد .

دنیا همراه با ذلت و پستی است ، و در این کار عذاب الهی واجب می گردد برای آنان که در جنگ از دشمن فرار کنند . خداوند میفرماید : " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا . . . " و در خطبه ۱۲۴ نهج البلاغه چنین می فرماید :

"وَ آيَةُ اللَّهِ لِيَن فِرْتُمْ مِنْ سَيْفٍ" "الْعَاجِلَةَ لِاتَّسَلُّوا مِنْ سَيْفِ الْأَجْرَةِ" "إِنَّ فِي الْفِرَارِ مُوجِدَةَ اللَّهِ وَ الدَّلَّ" "اللَّازِمَ وَ الْعَارَ الْبَاقِي وَ أَنَّ الْفَارَّ" "لَغَيْرِ مَزِيدٍ فِي عُمُرِهِ وَ لَا مَحْجُوزٍ" "بَيْنَهُ وَ بَيْنَ يَوْمِهِ"

قسم به خدا اگر از شمشیردنیافرارکنید ، از شمشیر آخرت سالم نمی مانید ، و همانا در

دنیاله: اقتصاد اسلامی

اسلام و به شرف امور جنگی و نظامی انفاق می کنند فضیلت و ثواب بیشتری را بدست می آورند .

۵- بهوش باشید که انفاق و خرج کردن مال خود را هرگز با منت گذاشتن و خود ستایی بی اجر و باطل نسازید و هیچگاه مال خود را از روی ربا و خودنمایی خرج نکنید .

۶- از فرصت ها و امکاناتی که در زمینه خرج کردن مال در راه اصلاح جامعه و رفع کمبودها دارید استفاده کنید و قبل از فرا رسیدن مرگ و از دست رفتن فرصت ها در این راهها گام بردارید که این فرصت ها همیشه نیست .

و بالاخره این کتاب آسمانی در ۱۰ مورد از جهاد بوسیله مال سخن گفته است و با تأکید هر چه بیشتر آنرا یکی از مراتب مهم جهاد در راه خدا و یکی از وظایف مهم انسانها و موجب فضیلت و پاداش الهی قلمداد کرده است .

بالتر از همه اینها قرآن کریم اسبق و سیمتری را در دیدگاه صاحبان مال و ثروت می کشاید و آنرا به "ایثار" دعوت میکند و به آنها در پرتو ایمان به خداوند بزرگو پادشاهی مهم معنوی آنقدر وسعت نظرو کرامت طبع میدهد که با اینکه خودشان احتیاج شدید به مال و ثروت خود دارند احتیاجات جامعه را بر احتیاجات خودشان مقدم بدانند و برای رفع مشکلات مردم واز بین بردن فقر و نیازمندیهای آنها با شور و شوق مخصوصی که تنها از "ایمان بخداوند" سرچشمه می گیرد ایثار کنند و به ثرون علی انفسهم ولو كان بهم خصاصة را تحقق می بخشند .

این بود قسمت مختصری از تفاوتهاشی که میان "اقتصاد اسلامی" و اقتصاد سرمایه داری موجود است . اینک بقیه بحث را برای شماره بعد بغض و توفیق الهی موکول مینمائیم .